

ضرورت گنجاندن فلسفه در برنامه‌های درسی دوره‌ی ابتدایی برنامه‌ای برای فکر کردن

مهرنوش فلاح تفتی
کارشناس ارشد برنامه‌ریزی درسی

استاد راهنما: دکتر محمود عبایی

کلیدواژه‌ها: فلسفه، کودک، آموزش، آموزش فلسفه به کودکان و فبک.

سرآغاز

اصلاح و تقویت نیروی فکر همواره جزو اهداف اولیه‌ی آموزش و پرورش رسمی و به‌عنوان هدف بنیادی تدریس و یادگیری در همه‌ی رشته‌های علمی بوده است. یک مسئله‌ی اساسی برای مربیان تعلیم و تربیت، معلمان، والدین و حتی خود دانش‌آموزان این بوده و هست که آیا مدرسه و برنامه‌های درسی، منجر به پرورش تفکر در دانش‌آموزان می‌شود یا خیر. در دنیا، در چند دهه‌ی اخیر فلسفه و آموزش فلسفه به‌عنوان روشی برای پرورش قوه‌ی تفکر، دوباره مورد توجه قرار گرفته است. در این مقاله، امکان آموزش فلسفه به کودکان (باتوجه به مفهوم فلسفه) در مقایسه با بزرگسالان و از دیدگاه روان‌شناسی شناختی **پیاژه** بررسی شده است. کودکان می‌توانند فلسفه بیاموزند. اگر فلسفه را در معنای واقعی آن یعنی فلسفیدن در نظر بگیریم و باتوجه به این که برای فلسفیدن به پرسیدن و تعجب کردن نیاز است و کودکان هر دو را به‌طور طبیعی دارند، بهتر از بزرگسالان می‌توانند فلسفه بیاموزند. باتوجه به این خصوصیات و نتایج تحقیقات تجربی، کودکان تا قبل از ۱۲ سالگی هم می‌توانند فلسفه یاد بگیرند. در آموزش فلسفه به کودکان به تربیت معلمان اهمیت زیادی داده شده است و کتاب‌های راهنمای آموزشی تدوین شده برای معلمان نقش مهمی ایفا می‌کنند و از آزمون‌های استاندارد شده‌ای برای سنجش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان استفاده می‌شود. تنها اشکال این برنامه‌ی درسی آن است که در تدوین محتوای آن به نیازهای جامعه و معلمان توجهی نشده است.



در ارتباط با این مقاله پژوهشی،
سلسله مقالات «فلسفه برای
کودکان» را که به صورت دنباله‌دار
در مجله چاپ می‌شود، بخوانید.

معرفی برنامه‌ی فلسفه برای کودکان

فلسفه هیچ نیازی به دفاع ندارد؛ زیرا محتوای آن خود مؤید و حامی آن است ولیکن دفاع از تعلیم فلسفه، محتاج یک فلسفه‌ی انتقادی از تعلیم است. فلسفه برای کودکان^۱ برنامه‌ای است که کودکان مدرسه‌ای را در تمام مباحث کلاس در زمینه‌ی موضوعات فلسفی مشارکت می‌دهد. هدف این برنامه، بهبود تفکر کودکان از طریق معرفی بسیاری از «سوالات بزرگ»^۲ به آن‌ها و توانا ساختن آن‌ها در بررسی چنین سوالاتی است. با استفاده از این برنامه، معلمان کودکان را به تفکر عمیق‌تر درباره‌ی ایده‌هایی که در پس کار مدرسه‌ای آن‌ها قرار دارد، تشویق می‌کنند. این اقدام به‌طور عمده در یک اجتماع کاوش‌گر کلاس درس صورت می‌گیرد. کودکان به‌طور ژرف روی تفکر خود و مهارت‌های مورد استفاده‌ی خویش تمرکز خواهند کرد؛ سپس آن‌ها را هنگامی که در حال بررسی و تقویت ایده‌های خود و دیگران در پاسخ به معماهای فلسفی هستند، بهبود خواهند بخشید (اسپرود، ۲۰۰۲).

هدف آموزش فلسفه برای کودکان

فلسفه برای کودکان هدف‌های شناختی روشنی دارد و ذهن را وادار به عمل می‌کند. این کار از طریق چالش‌های تفکر اصولی و تعامل ساختاری انجام می‌گیرد. برنامه‌ی یادشده در عین حال هدفی اجتماعی نیز دارد و آن آموزش فرایند تصمیم‌گیری دموکراتیک است. این برنامه در پرورش مشارکت منظم و پرورش خود آگاهی فرد سهم قطعی دارد (هاینز ۲۰۰۲، صفحه ۱۱). از نظر لیپمن هدف عمده‌ی برنامه‌ی آموزش فلسفه برای کودکان، آن است که به کودکان کمک می‌کند. بیاموزند که خود چگونه فکر کنند (هاینز ۲۰۰۲: ۵۳). وی هدف‌های این برنامه را به‌صورت زیر دسته‌بندی کرده است: ۱. بهبود توانایی استدلال^۳، ۲. پرورش خلاقیت^۴، ۳. رشد فردی و میان فردی^۵، ۴. پرورش درک اخلاقی^۶، ۵. پرورش توانایی مفهوم‌یابی در تجربه^۷، ۶. رشد و پرورش تفکر عاطفی^۸ در کودکان.

نتیجه‌گیری

از نظر جامعه‌شناختی و تربیت اجتماعی نیز آموزش فلسفه و تعلیم تفکر ضروری است؛ زیرا نیروی بالقوه‌ی تربیتی سیاسی و مدنی فلسفه در تشکیل یک مدینه‌ی فاضله‌ی معین از زمان افلاطون تاکنون

مبهرن و آشکار است. جامعیت فلسفه (در تعلیم و تربیت جوانان از نقطه‌نظر لیپمن و بزرگ‌سالان از نظر افلاطون) به‌خاطر توان تربیتی و سیاسی‌سازنده‌اش در ساختن جامعه‌ی بهتر پشتیبانی می‌شود. به اعتقاد این دو فیلسوف، فلسفه عملی دربرگیرنده‌ی یک جزء سیاسی بنیادی است و هر دو فلسفه را وسیله‌ای تربیتی برای آن جزء می‌دانند و در حالی که قوانین اجتماعی و مفاهیم نامتشابه به شهروندی را تعریف می‌کنند؛ رابطه‌ی تعلیم و تربیت و فلسفه را نیز تصدیق می‌کنند. آن‌ها کودکان را قبل از هر چیز شهروندان آینده‌ی یک نظام سیاسی قلمداد می‌کنند. باتوجه به بررسی‌های نظری انجام شده اقدامات زیر ضروری به‌نظر می‌رسد:

۱. از هرگونه اقدام شتاب‌زاده در اجرای برنامه‌ی آموزش فلسفه به کودکان در مدارس خودداری شود؛ ۲. برنامه‌های درسی و مواد آموزشی، به‌طور عمده براساس عقاید لیپمن و به‌ویژه مطابق با بافت جامعه توسعه یابد؛ ۳. واحد درسی آموزش فلسفه به کودکان در واحدهای درسی رشته‌های علوم تربیتی گنجانده شود؛ ۴. مراکز تربیت معلم برای آموزش این برنامه ایجاد شده و دوره‌های آموزشی ضمن خدمت برای معلمان آشنا با فلسفه برگزار می‌شود؛ ۵. محتوای آموزشی با توجه به فرهنگ کشور برای آموزش فلسفه به کودکان تدوین گردد.

پی‌نوشت

1. P4C: Philosophy for children/فلسفه برای کودکان جنگ
2. Big Question
3. Improvement of Reasoning Ability
4. Development of Creativity
5. Personal and Impersonal Growth
6. Development of Ethical Understanding
7. Development of the Ability to Find meaning in Experience
8. Caring as Thinking

منابع

1. Haynes. J. (2002) children as philosophers, London and New York; Rutledge flamer Press.
2. Splitter. L. & Sharp. A.M. (2002) teaching for Better Thinking the Educational Research.
3. Splitter. L. (1975) Thinking Inquiry and community. Teacher Perspective On philosophy for children, in: critical & creative Thinking the.
4. Sprod. T (2002) Books into Ideas: A Community of Inquiry Melbomn: Hawker Brown Low.
5. Lee. DVD (1993) Experiences with Kio and Gus. In Thinking vole. 11
۶. اسمیت، فیلیپ؛ فلسفه‌ی آموزش و پرورش، مترجم سعید بهشتی، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۷.
۷. نقیب‌زاده، میرعبدهالحسین؛ فلسفه‌ی کانت، بیداری از خواب دگماتیسیم بر زمینه‌ی سیر فلسفه‌ی دوران موج سوم، تهران، انتشارات نقش جهان، ۱۳۷۴.